

بررسی رابطه بین ابعاد مختلف دینداری و هویت اخلاقی در دانشجویان دانشگاه اصفهان

ماهگل توکلی *

زهره لطیفی **

دکتر شعله امیری ***

چکیده

هدف این پژوهش، بررسی رابطه بین ابعاد مختلف دینداری و هویت اخلاقی در دانشجویان دانشگاه اصفهان است. به همین منظور، در قالب یک طرح شبه آزمایشی و به وسیله روش نمونه‌گیری تصادفی، یک نمونه ۷۸ نفری (۴۱ نفر پسر و ۳۷ نفر دختر) انتخاب شد و پرسش‌نامه هویت اخلاقی (آکوئینو، ۲۰۰۲) و مقیاس سنجش دینداری (سراج زاده، ۱۳۷۷) در اختیار آنها گذاشته شد. پرسش‌نامه هویت اخلاقی، میزان تحول اخلاقی را در دو بعد نمادسازی و درونی‌سازی مشخص می‌کند. مقیاس سنجش دینداری که بر اساس نظریه چند بعدی دینداری گلاک و استارک تهیه شده است، چهار بعد دینداری شامل ابعاد اعتقادی، عاطفی (تجربه‌ای)، پیامدی (کاربردی) و مناسکی را مورد بررسی قرار می‌دهد. نتایج این پژوهش نشان‌دهنده عدم وجود تفاوت میان دو گروه زن و مرد بر اساس نمره هویت اخلاقی و دینداری است. همچنین داده‌ها بیانگر وجود رابطه مثبت و معنادار میان نمره کل هویت اخلاقی و دینداری در هر دو جنس و ارتباط میان زیر مقیاس نمادسازی و ابعاد مناسکی و پیامدی در زنان و زیر مقیاس درونی‌سازی و بعد اعتقادی در مردان بود.

واژه‌های کلیدی: هویت اخلاقی، دینداری، باورهای مذهبی، پرسش‌نامه هویت اخلاقی،
مقیاس سنجش دینداری

* دانشجوی دکتری روان‌شناسی دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه اصفهان Email: mtd_1980@yahoo.com

** دانشجوی دکتری روان‌شناسی دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه اصفهان

*** استادیار گروه روان‌شناسی دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه اصفهان

تاریخ دریافت: ۸۸/۵/۱۹ تاریخ تأیید: ۸۸/۹/۲۵

مقدمه

انسان یگانه موجودی است که در این دنیا طالب سعادت است و اخلاق یکی از ضروری‌ترین نیازهای او برای دستیابی به سعادت محسوب می‌شود (نورانی اردبیلی، ۱۳۷۱؛ رشاد، ۱۳۵۳). انسان با حس اخلاقی، که خیلی زود تجلی می‌کند، متولد می‌شود. این حس در خانواده ظاهر می‌شود، به وسیله معلمان الگو می‌گیرد و توسط اجتماع رشد می‌یابد. در حقیقت خانواده، مدرسه و اجتماع، قواعد اخلاقی‌ای را آموزش می‌دهند که بر اساس اصول عدالت و رعایت حقوق دیگران است (ماسن و همکاران، ۱۳۸۲).

استدلال اخلاقی، یعنی توانایی تفکر در موقعیت‌ها و تصمیم‌گیری‌های اخلاقی که در آن حقوق اولیه دیگران حفظ شود، به مرور زمان و طی مراحل رشد، تکامل می‌یابد (نیوکامر،^۱ ۱۹۹۳). هر چند رشد در مراحل اولیه رفتار اخلاقی کودک، تابع عوامل اجتماعی و بیرونی است؛ ولی در سنین بالاتر به نظر می‌رسد که کنترل رفتار فرد به طور فزاینده‌ای وابسته به معیارهای درونی شده رفتار است که به خویش‌نهادی در غیاب مهارت‌های خارجی منتهی می‌شود (محسنی، ۱۳۷۱؛ هترینگتون و پارک، ۱۳۷۳). در واقع، در دوران پس از کودکی، استدلال‌های اخلاقی برای انجام آنچه که درست است، بر مبنای تعهد نسبت به اصول اخلاقی استوار است که فرد آنها را به عنوان اصلی برای ارزیابی قواعد اخلاقی نوع بشر در نظر می‌گیرد و به این ترتیب، هویت اخلاقی در فرد شکل می‌گیرد. از نظر اسلام، اخلاق به معنی موضع‌گیری یک انسان نسبت به مسائلی است که با او در ارتباط است و این موضع‌گیری، نتیجه آگاهی و تعلق می‌باشد (حائری شیرازی، ۱۳۶۱). اگر چه به عقیده رانز^۲ (۱۹۶۴) رفتارهای اخلاقی به معیارهای واقعی و درست رفتارهای بین گروه‌ها در شرایط یکسان اشاره دارد و باری^۳ (۱۹۷۹) اخلاق را مطالعه چیزی می‌داند که تشکیل‌دهنده رفتار خوب و بد انسان، یعنی اعمال و ارزش‌های مرتبط است (گلفرانی، ۱۳۸۲)؛ ولی کانت معتقد است که اعمال اخلاقی، اعمالی است که انسان آن را به عنوان یک تکلیف از وجدان خود گرفته است. فروید معتقد است که رفتار اخلاقی و گناهی که هنگام تخطی از معیارهای اخلاقی تجربه می‌شود، نتیجه تشکیل فراخود از راه همانندسازی است (محسنی، ۱۳۷۱؛ هترینگتون و پارک، ۱۳۷۳).

1. New Comer

2. Runs

3. Barry

از طرفی، نظریه روان‌تحلیل‌گری زیگموند فروید در مورد رشد اخلاقی بر درونی‌سازی معیارهای اخلاقی به عنوان دستاورد پیشرفت کودک طی مراحل رشد روانی جنسی تأکید می‌کند. بر اساس نظریه یادگیری اجتماعی، تشویق‌ها و تنبیه‌هایی که والدین و دیگران در پاسخگویی به رفتارهای کودک به کار می‌برند و نیز مشاهده اعمال و گفتارهای والدین و دیگران توسط کودک، سبب شکل‌گیری اخلاق می‌شود. بنابراین ارزش‌های اخلاقی، همانند سایر رفتارها یاد گرفته می‌شود (گلفرانی، ۱۳۸۲). هافمن^۱ برای هنجار اخلاقی یک جنبه شناختی هم قائل شده است که با افزایش سن و رشد کودک، پیچیدگی بیشتری می‌یابد. پیازه بر اساس تحلیل پاسخ‌های کودکان دریافت که درک کودکان از مفاهیم اخلاقی در توالی نامتغیری از مراحل صورت می‌گیرد؛ بنابراین، مراحل سه‌گانه اخلاق را مطرح می‌کند. علاوه بر این، پیازه مسئله مجازات، عدالت و درونی‌سازی را نیز در نظر گرفته است (همان).

کلبرگ^۲ (۲۰۰۱)، چرایی و چگونگی استدلال‌های اخلاقی کودکان را مورد بررسی قرار داده است. به نظر او، قضاوت اخلاقی شرط لازم و نه کافی برای رفتار اخلاقی است. قضاوت اخلاقی تنها نشان‌دهنده دانش فرد در مورد شیوه‌های عملکرد اوست، نه تصمیم‌گیری فرد در مورد عمل کردن به آن شیوه‌ها. استیل ول^۳ عملکرد اخلاقی را به چهار حیطه تقسیم می‌کند: اول، حیطه مفهوم‌سازی وجدان که شامل وجدان بیرونی، وجدان درونی و یکپارچگی است. دوم، حیطه ارزش‌گذاری اخلاقی که در برگیرنده باورهای فرد در مورد منبع و توجیه قوانین اخلاقی خود اوست. سوم، حیطه اراده اخلاقی، که با منشأ دریافت‌ها و نیروی محکم فرد در تصمیم‌گیری اخلاقی مرتبط است و چهارم، حیطه پاسخ‌دهی اخلاقی - هیجانی که شامل رفتارهایی است که پس از انجام اعمال اخلاقی درست یا نادرست، مانند ترس، شرم، احساس گناه و یا احساس رضایت درونی نشان داده می‌شود.

حال این سؤال مطرح است که آیا استدلال اخلاقی به رفتار اخلاقی و یا به عبارتی، به انجام اعمال دینداری مرتبط است؟ به عبارت دیگر، فردی که در سطح بالاتری از هویت اخلاقی قرار دارد، این سطح هماهنگ با میزان دینداری عملی او است و رفتار او مناسب‌تر از فردی است که در سطح پایین‌تری استدلال می‌کند؟ (گلفرانی، ۱۳۸۲).

1. Hoffman

2. Kohlberg

3. Stedwell

در ابتدا روان‌شناسان رشد‌شناختی بیان نمودند که بین افکار و اعمال اخلاقی، به خصوص در سطوح بالاتر استدلال اخلاقی، هماهنگی وجود دارد (واستا^۱ و همکاران، ۱۹۹۲). بنا بر نظر کلبرگ، زمانی که اصول اخلاقی درک می‌شود، می‌تواند به شکل ذاتی به عمل اخلاقی منجر گردد و با تحول استدلال اخلاقی، افراد دارای آمادگی بیشتری جهت به‌کارگیری اصول اخلاقی برای قضاوت کردن در موقعیت‌ها می‌شوند (کلبرگ، ۲۰۰۱؛ توریل^۲، ۲۰۰۲). در مقابل رویکردهای شناختی، مارتین هافمن به نقش هیجان اخلاقی به عنوان منبع اولیه‌ای از انگیزه اخلاقی و عامل مؤثر بر رفتار اخلاقی اشاره می‌کند، هر چند نقش استدلال اخلاقی را انکار نمی‌کند (هافمن، ۲۰۰۰؛ هاردی و کارلو^۳، ۲۰۰۵). شناخت، توانایی ایفای نقش، عزت نفس، پیشینه خانوادگی، هوش و موقعیت‌های لحظه‌ای، از جمله مواردی است که باعث بروز رفتار اخلاقی و غیر اخلاقی می‌شود (روبرت^۴، ۲۰۰۴). در نهایت، بلیسی بیان می‌کند که رفتار اخلاقی تحت تأثیر عوامل زیادی است. وی با مدل چندگانه خود که در حقیقت تکمیل‌کننده پژوهش‌های قبلی است، مجموعه‌ای از عوامل مؤثر بر رفتار اخلاقی را مطرح می‌کند که استدلال اخلاقی و هیجان اخلاقی نیز به عنوان ابعاد تکمیلی در این مدل قرار می‌گیرد (بلیسی، ۲۰۰۴a & b؛ ریمر^۶، ۲۰۰۴). بر این اساس، هر چند تحقیقات غیر ایرانی، درباره رفتار اخلاقی، نتایج هماهنگی نداشته است؛ اما همگی نشان‌دهنده نقش عوامل مؤثر چندگانه می‌باشد.

رفتار اخلاقی و یا به عبارتی، دینداری عملی نیز در ابعاد مختلفی مورد پژوهش قرار گرفته است. سراج زاده (۱۳۷۷) بر اساس مدل دینداری گلارک و ستارک، در پرسش‌نامه سنجش دینداری چهار بعد اعتقادی، عاطفی (تجربه‌ای)، پیامدی (کاربردی)، مناسکی و فکری را برای دینداری در نظر گرفته است. بعد اعتقادی یا باورهای دینی عبارت است از باورهایی که انتظار می‌رود پیروان آن دین به آن اعتقاد داشته باشند. بعد تجربه‌ای یا عواطف دینی، بیانگر عواطف، تصورها و احساس‌هایی مربوط به داشتن رابطه با خدا یا واقعیتی غایی است. بعد پیامدی یا آثار دینی، شامل انعکاس این ابعاد در زندگی روزمره پیروان آنهاست. بعد مناسکی یا اعمال دینی، نیز در برگیرنده عبادات و اعمال مورد تأکید دین می‌باشد و بعد فکری یا دانش دینی، شامل اطلاعات و

1. Vasta
3. Hardy & Carlo
5. Blasi

2. Turiel
4. Robert
6. Reimer

دانسته‌های مبنایی اعتقادات دینی است که در سنجش دینداری قرار داده نشده است، زیرا آموزش دینی در بسیاری از کشورهای اسلامی، از جمله ایران، به صورت اجباری در مدارس انجام می‌گیرد.

اگر چه تحقیقاتی در مورد قضاوت اخلاقی در دوران تحول، رابطه دینداری با برخی از شاخص‌های سلامت یا بیماری صورت گرفته؛ اما درباره ارتباط دینداری با هویت اخلاقی به طور مشخص، هیچ تحقیقی در ایران صورت نگرفته است. تحقیقات انجام شده درباره ارتباط دینداری با سلامت روانی، نشانگر تأثیر مثبت انجام رفتار اخلاقی (دینی) با افزایش عزت نفس، سلامت روانی، میزان شادابی و کاهش اختلالات روانی است (لشکری، ۱۳۸۱؛ بهرامی، ۱۳۸۱؛ میرزمانی و محمدی، ۱۳۸۰؛ اسلامی و همکاران، ۱۳۷۸).

نتایج پژوهش‌های محققان غیر ایرانی نیز بیانگر وجود رابطه بین دینداری و سلامت روان است (ریان^۱ و همکاران، ۱۹۹۲). تحقیق مصاحب (۱۳۸۲) درباره بررسی نگرش دینی دانشجویان دانشگاه‌های علوم پزشکی و صنعتی اصفهان نشان می‌دهد که عقیده ۴۰ درصد از دانشجویان پس از ورود به دانشگاه تغییر کرده است؛ ۶۳/۹ درصد قوی‌تر و ۳۶/۱ درصد ضعیف‌تر شده است. ابراهیمی (۱۳۷۶) گزارش داده است که در ۷۵ درصد از دانشجویان دانشگاه اصفهان گرایش دینی وجود دارد و دانشگاه بر افکار و اعمال دینی ۴۰ درصد از دانشجویان تأثیر گذاشته است که دانشجویان دختر در این زمینه نسبت به دانشجویان پسر برتری داشته‌اند (مجموعه مقالات بهداشت روانی و اسلام، ۱۳۸۲).

تحقیق کلانتری و همکارانش (۱۳۷۹) در بین دانشجویان دانشگاه اصفهان نشان می‌دهد که میزان گرایش به ذکر توحیدی در دانشجویان دختر، به طور معناداری بیشتر از دانشجویان پسر است. بر اساس تحقیق زکی (۱۳۸۳)، جنسیت در تغییرات نگرش‌های دینی عامل مؤثری است و دختران دانشجوی دیدگاه مثبت‌تری به دین دارند؛ اما تحقیق قصوری و همکارانش (۱۳۷۷) نشان می‌دهد که اعتقادات مذهبی مردان بیشتر از زنان است و رابطه معکوسی با میزان اضطراب آنان دارد (همان).

برخی مطالعات تجربی در زمینه بررسی‌های آسیب‌شناسی اجتماعی، نشانگر رابطه معنادار بین داشتن باورهای مذهبی و زندگی همراه با معنویت با پایین بودن میزان رفتارهای ضد اجتماعی، مصرف الکل، اعتیاد، طلاق و خودکشی است (همان).

نتایج تحقیق ابراهیمی و سموعی (۱۳۸۲) نشان می‌دهد که دختران جوان در برابر آسیب‌های رفتاری اجتماعی در مقایسه با گروه کنترل در زمینه تجربه‌های مذهبی - معنوی مربوط به خود، خانواده و مراحل رشد در رده پایین‌تری قرار دارند و به‌طور کلی، سبک زندگی معنوی ندارند (همان).

با توجه به مطالب بیان شده، شناخت عوامل مؤثر بر دینداری به شکل اصولی، ضروری به نظر می‌رسد. بر این اساس در این پژوهش سعی شده است که هویت اخلاقی به عنوان یکی از عوامل مؤثر و اساسی در دینداری مورد بررسی قرار گیرد و در این راستا، به سؤالات پژوهشی زیر پاسخ داده شود:

۱. آیا بین دانشجویان دختر و پسر، از نظر میزان نمره‌های دینداری و هویت اخلاقی، تفاوتی مشاهده می‌شود؟
۲. آیا بین نمره‌های کل دینداری و هویت اخلاقی رابطه‌ای وجود دارد؟
۳. آیا بین ابعاد مختلف دینداری و زیر مقیاس‌های هویت اخلاقی رابطه وجود دارد؟

روش

جامعه آماری و روش نمونه‌گیری: جامعه آماری این پژوهش، تمامی دانشجویان دانشگاه اصفهان است. در این پژوهش، ۷۸ نفر از دانشجویان دانشگاه اصفهان به روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شده‌اند. ۴۱ نفر آنها پسر و ۳۷ نفر دختر بودند و گستره سنی آنها از ۱۸ سال تا ۲۶ سال متغیر بود. میانگین سنی این افراد ۲۱ سال محاسبه شده است.

ابزار پژوهش: در این پژوهش، از دو پرسش‌نامه هویت اخلاقی و مقیاس سنجش دینداری برای سنجش ابعاد چندگانه دینداری استفاده شده است. این پرسش‌نامه توسط سراج زاده (۱۳۷۷) تهیه گردیده است. سنجش دینداری، ۲۶ سؤال و چهار زیر مقیاس اعتقادی، تجربه‌ای، پیامدی و مناسکی دارد. سؤالات این پرسش‌نامه نگرشی هستند و بر اساس سیستم لیکرت نمره‌گذاری می‌شوند. به این ترتیب، نمره هر آزمودنی در این پرسش‌نامه از ۲۶ تا ۱۳۰ متغیر بوده و نمره بالاتر نمایانگر دینداری بیشتر است. پایایی این مقیاس به روش آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۳ و روایی بیرونی آن برابر با ۰/۶۱ محاسبه شده است (سراج‌زاده، ۱۳۷۷).

پرسش‌نامه هویت اخلاقی نیز به منظور بررسی هویت اخلاقی آزمودنی‌ها استفاده شده است. این پرسش‌نامه در سال ۲۰۰۲ توسط آکوئینو^۱ به روش تحلیل عوامل ساخته شده و در ایران، توسط توکلی و لطیفی ترجمه و تعیین روایی و پایایی شده است. این پرسش‌نامه با ۱۳ سؤال که در مقیاس لیکرت نمره‌گذاری می‌شود، نه ویژگی اخلاقی را بررسی می‌کند. این پرسش‌نامه، دو زیر مقیاس نمادسازی و درون‌سازی دارد. زیر مقیاس نمادسازی بیانگر صفاتی است که رفتار فرد را در ارتباط با دیگران منعکس می‌کند و زیر مقیاس درون‌سازی نشانگر صفاتی است که برای خودپنداره با اهمیت بوده و در هویت اخلاقی فرد نقش مرکزی دارد (آکوئینو، ۲۰۰۲). پژوهش حاضر، در مرحله اول در بررسی مقدماتی^۲ با ۳۰ آزمودنی پرسش‌نامه اجرا شد و روایی صوری و محتوایی پرسش‌نامه توسط محققان این پژوهش، بر اساس نظر پنج نفر از اساتید گروه روان‌شناسی دانشگاه اصفهان مورد تأیید قرار گرفت. پایایی پرسش‌نامه نیز به روش آلفای کرونباخ برابر با ۰/۷۲ به دست آمد.

شیوه و روند اجرا: قبل از اجرای پرسش‌نامه، ابتدا در مورد تمامی آزمودنی‌ها سعی شد که اطمینان آزمودنی‌ها به محقق جلب شود. بدین منظور، قبل از تکمیل پرسش‌نامه برای پاسخ‌دهندگان، هدف از اجرای پژوهش، الزامی نبودن نوشتن نام بر روی پرسش‌نامه و محرمانه بودن اطلاعات توضیح داده شد تا رضایت آگاهانه آنها کسب شد.

روش تجزیه و تحلیل آماری: برای مقایسه نمره‌های هویت اخلاقی و ابعاد دینداری در دو گروه مستقل مرد و زن از آزمون t و برای تعیین رابطه میان هویت اخلاقی و ابعاد دینداری و زیر مقیاس‌های آن از ضریب هم‌بستگی پیرسون استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز نرم افزار spss 13 مورد استفاده قرار گرفت.

نتایج

میانگین و انحراف استاندارد نمره‌های کلی دینداری و هویت اخلاقی و زیر مقیاس‌های هر کدام به تفکیک جنسیت در جدول (۱) و (۲) ارائه شده است.

1. Aquino
2. pilot study

جدول (۱): میانگین و انحراف استاندارد ابعاد دینداری

تعداد	انحراف استاندارد	میانگین		
۳۷	۱۳/۶۱	۹۵/۴۸	زن	دینداری کلی
۴۱	۱۸/۳۴	۹۵/۹۵	مرد	
۳۷	۴/۹۹	۲۹/۵۴	زن	اعتقادی
۴۱	۱۰/۱۲	۳۰/۰۴	مرد	
۳۷	۴/۱۰	۲۵/۲۷	زن	عاطفی
۴۱	۴/۴۲	۲۴/۹۵	مرد	
۳۷	۳/۵۹	۲۰/۲۹	زن	پیامدی
۴۱	۳/۳۹	۲۰/۱۷	مرد	
۳۷	۴/۴۷	۲۰/۳۷	زن	مناسکی
۴۱	۶/۵۸	۲۰/۷۸	مرد	

جدول (۲): میانگین و انحراف استاندارد هویت اخلاقی

تعداد	انحراف استاندارد	میانگین		
۳۷	۶/۴۷	۵۱/۸۹	زن	هویت اخلاقی
۴۱	۵/۶۱	۵۰/۸۵	مرد	
۳۷	۲/۸۹	۲۲/۲۴	زن	نمادسازی
۴۱	۳/۲۳	۲۰/۵۸	مرد	
۳۷	۳/۲۵	۱۷/۸۱	زن	درون‌سازی
۴۱	۲/۶۹	۱۸/۴۱	مرد	

برای پاسخ به سؤال اول پژوهش از آزمون t استفاده شد و برای مقایسه میانگین‌های نمره‌های دینداری و هویت اخلاقی دختران و پسران، در ابتدا نتایج آزمون لوین بررسی شد که نتایج این آزمون، پیش فرض تساوی واریانس‌ها را تأیید کرد ($p < ۰/۳۳$). با توجه به جدول (۳)، نتایج آزمون t در مورد مقایسه دینداری و هویت اخلاقی در دانشجویان دختر و پسر نشان می‌دهد که تفاوت بین میانگین نمره‌های دینداری دانشجویان دو جنس از نظر آماری معنادار نیست.

جدول (۳): نتایج آزمون t برای مقایسه نمره‌های دینداری کلی و هویت اخلاقی

تفاوت میانگین‌ها	معناداری	درجه آزادی	آزمون t	
۰/۴۶۴۷	۰/۹	۷۶	۰/۱۲۶	دینداری کلی
۱/۰۳	۰/۴۵	۷۶	۰/۷۵۸	هویت اخلاقی

برای پاسخ به سؤال‌های دوم و سوم پژوهش، رابطه میان هویت اخلاقی و دینداری با توجه به ضریب هم‌بستگی پیرسون بررسی شد که نتایج به تفکیک نمره‌های کل و زیر مقیاس‌ها برای دو جنس به طور جداگانه در جدول (۴) و (۵) آمده است.

جدول (۴): نتایج آزمون هم‌بستگی زیر مقیاس‌های ابعاد مختلف دینداری و هویت اخلاقی در زنان

مناسکی	پیامدی	عاطفی	اعتقادی	دینداری کلی	
۰/۳۹۸ P<۰/۰۱۵	۰/۴۲۲ P<۰/۰۰۹	۰/۲۶۹ P<۰/۱۰۷	۰/۲۹۰ P<۰/۰۸۱	۰/۴۳۰ P<۰/۰۰۸	هویت اخلاقی
۰/۳۴۹ P<۰/۰۳۴	۰/۵۰۸ P<۰/۰۰۱	۰/۲۲۶ P<۰/۱۷۸	۰/۲۸۷ P<۰/۰۸۵	۰/۴۲۳ P<۰/۰۰۹	نمادسازی
۰/۲۳۰ P<۰/۱۷۱	۰/۱۷۳ P<۰/۳۰۵	۰/۲۲۰ P<۰/۱۹۰	۰/۱۰۲ P<۰/۵۴۸	۰/۲۲۵ P<۰/۱۸۰	درون‌سازی

همان‌طور که در جدول (۴) آمده است، نمره کل هویت اخلاقی با نمره کل دینداری و زیر مقیاس‌های پیامدی و مناسکی رابطه مثبت و معناداری دارد. در ارتباط با زیر مقیاس‌های پرسش‌نامه هویت اخلاقی، زیر مقیاس نمادسازی با نمره کل دینداری و زیر مقیاس‌های پیامدی و مناسکی ارتباط مثبت معناداری را نشان می‌دهد؛ در حالی که زیر مقیاس درون‌سازی رابطه معناداری را با نمره کل دینداری و زیر مقیاس‌های آن دارد.

جدول (۵): نتایج آزمون هم‌بستگی زیر مقیاس‌های ابعاد مختلف دینداری و هویت اخلاقی در مردان

مناسکی	پیامدی	عاطفی	اعتقادی	دینداری کلی	
۰/۲۸۷ P<۰/۰۶۹	۰/۳۰۰ P<۰/۰۵۷	۰/۲۹۳ P<۰/۰۶۳	۰/۳۲۵ P<۰/۰۳۸	۰/۴۰۹ P<۰/۰۰۸	هویت اخلاقی
۰/۰۴۴ P<۰/۷۸۶	۰/۱۵۵ P<۰/۳۳۵	۰/۱۹۳ P<۰/۲۲۷	۰/۲۲۶ P<۰/۱۵۵	۰/۲۱۶ P<۰/۱۷۶	نمادسازی
۰/۲۵۳ P<۰/۱۱۰	۰/۲۵۴ P<۰/۱۰۸	۰/۲۶۴ P<۰/۰۹۵	۰/۳۲۵ P<۰/۰۳۸	۰/۳۸۱ P<۰/۰۱۴	درون‌سازی

در گروه مردان نیز نمره کل هویت اخلاقی رابطه مثبت معناداری با نمره کل دینداری و زیر مقیاس اعتقادی دارد. همان‌طور که مشخص است، زیر مقیاس نمادسازی رابطه معناداری را نشان نمی‌دهد؛ در حالی که زیر مقیاس درونی‌سازی با نمره کل دینداری و زیر مقیاس اعتقادی رابطه مثبت و معناداری دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

هر چند بیشتر پژوهشگران غربی معتقدند که حوزه دین و اخلاق از حوزه‌های کاملاً فردی محسوب شده و جنبه شخصی دارد و بهتر است محققان با احتیاط وارد این حوزه شوند؛ ولی آنچه که از دیدگاه مکتب اسلام، اهمیت دارد، این است که هویت انسان متأثر از اخلاق و مسلک او است و پیشوایان بزرگ دین، از جمله امام حسین(ع) زندگی را مترادف با عقیده و جهاد دانسته‌اند. با توجه به اینکه در ایران درباره هویت اخلاقی، هیچ نوع آزمون محقق ساخته یا ترجمه شده وجود ندارد؛ بنابراین، پژوهشگران این تحقیق، مجبور به بررسی و ترجمه آزمون هویت اخلاقی آکوتینو شدند که در آن سازه‌های اخلاقی و نه سازه‌های اخلاق اسلامی مورد سنجش قرار گرفته است. با این روش، امکان سنجش و بررسی هویت اخلاقی فراهم شد.

در ارتباط با سؤال اول پژوهش، مبنی بر وجود تفاوت دو جنس، نمره‌های کل دینداری و هویت اخلاقی در جدول (۳) نشان می‌دهد که میان دینداری و هویت اخلاقی زنان و مردان تفاوت معناداری مشاهده نمی‌شود.

درباره سؤال‌های دوم و سوم پژوهش، جدول‌ها نشانگر این است که در زنان نمره کل هویت اخلاقی با نمره کل دینداری و زیر مقیاس‌های پیامدی و مناسکی ارتباط معناداری دارد و در ارتباط با زیر مقیاس‌های پرسش‌نامه هویت اخلاقی، زیر مقیاس نمادسازی با نمره کل دینداری و زیر مقیاس‌های پیامدی و مناسکی ارتباط معناداری را نشان می‌دهد؛ در حالی که زیر مقیاس درون‌سازی، رابطه معناداری را با نمره کل دینداری و زیر مقیاس‌های آن ندارد. این نتایج نشان می‌دهد که اولاً هویت اخلاقی به عنوان یک عامل اساسی و مهم با دینداری رابطه داشته و به طور کلی، هر چقدر هویت اخلاقی در سطح بالاتری باشد، فرد نیز از نظر دینداری در سطح بالاتری قرار دارد. نکته دوم و جالب توجه، ارتباط معنادار و مثبت میان زیر مقیاس‌های نمادسازی، پیامدی و مناسکی است. همان‌طور که در جدول (۴) آمده است، از میان دو زیر مقیاس هویت اخلاقی، فقط نمادسازی با نمره کل دینداری ارتباط دارد؛ به بیان دیگر، نمادسازی که نمایانگر صفاتی است که رفتار فرد را در ارتباط با دیگران و جهان خارج منعکس می‌کند، جنبه عینی و رفتاری دارد و می‌تواند به طور کلی با دینداری ارتباط داشته باشد؛ اما نکته مهم‌تر و جالب‌تر اینکه نمادسازی از میان زیر مقیاس‌های دینداری با دو زیر مقیاس پیامدی و مناسکی رابطه دارد و این نشان‌دهنده هماهنگی میان محتوای زیر مقیاس‌های دو

پرسش نامه است. به بیان دیگر، نمادسازی که جنبه رفتاری هویت اخلاقی را نشان می‌دهد، با ابعاد مناسکی که شامل اعمال و عبادات دینی می‌شود و بعد پیامدی که در حقیقت، جلوه و انعکاس دینداری در زندگی روزمره است، رابطه دارد.

در گروه مردان نیز نمره کل هویت اخلاقی رابطه مثبت معناداری با نمره کل دینداری و زیر مقیاس اعتقادی نشان می‌دهد. دربارهٔ زیر مقیاس‌ها همان‌طور که مشخص است، زیر مقیاس نمادسازی رابطه معناداری را نشان نمی‌دهد؛ در حالی که زیر مقیاس درونی‌سازی با نمره کل دینداری و زیر مقیاس اعتقادی رابطه مثبت و معناداری دارد. بنابراین، می‌توان این گونه نتیجه گرفت که به طور کلی، هر چه افراد از نظر هویت اخلاقی در سطح بالاتری قرار گرفته باشند؛ در مقابل از لحاظ دینداری نیز در سطح بالاتری قرار می‌گیرند. در مورد رابطه زیر مقیاس‌ها، بر اساس جدول (۵) در مردان، بعد درون‌سازی هویت اخلاقی با دینداری در ارتباط است، این نتیجه با پژوهش قصوری (۱۳۷۷) مبنی بر اینکه اعتقادات مذهبی مردان بیشتر از زنان می‌باشد، هماهنگ است. از طرف دیگر، زیر مقیاس درونی‌سازی که جنبه ذهنی دارد، تنها با زیر مقیاس اعتقادی رابطه دارد که در حقیقت، گویای باورهای فرد از دین و جنبه غیر عینی، درونی و ذهنی دینداری است. بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت که هر چند به‌طور کلی، میان زنان و مردان از نظر دینداری و هویت اخلاقی تفاوت وجود ندارد؛ اما در واقع، ابعاد دینداری و هویت اخلاقی در نحوه شکل‌گیری و بروز متفاوت است. در مردان هویت اخلاقی و دینداری، جنبه ذهنی و درونی دارد؛ در حالی که در زنان جنبه عینی و رفتاری دارد و بر همین اساس است که مشاهده می‌کنیم زنان در مراسم و اعمال مذهبی، حضور و فعالیت بیشتری از خود نشان می‌دهند.

در نهایت، به منظور هدایت پژوهش‌های آینده در این زمینه، اجرای پژوهشی مشابه با در نظر گرفتن زنان و مردان و نمونه‌های وسیع‌تر خارج از چارچوب دانشگاهی در مقاطع مختلف تحصیلی و مراتب متفاوت شغلی در وسعت بخشیدن به این موضوع سودمند خواهد بود. همچنین در انجام پژوهش‌ها، به ابعاد مختلف دینداری خودپنداره مذهبی و به‌ویژه هویت اخلاقی، با توجه به مبانی دین مبین اسلام در رده‌های سنی متفاوت توجه شود.

منابع

- اسلامی، ا. و همکاران (۱۳۷۸)، «بررسی میزان افسردگی و رابطه آن با نگرش فرد نسبت به مذهبی بودن در دانش آموزان سال آخر دبیرستان‌های اسلامشهر سال تحصیلی ۱۳۷۵-۱۳۷۶»، *طب و تزکیه*، ج ۹، نسخه ۳۴، ص ۲۹-۳۴.
- بهرامی، ا. (۱۳۸۱)، «رابطه بین جهت‌گیری مذهبی، اضطراب و حرمت خود»، *روان‌شناسی*، ج ۶، ش ۴، نسخه ۲۴، ص ۲۴۷-۳۳۶.
- حائری شیرازی، ع. (۱۳۶۱)، *اخلاق در اسلام*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- رشاد، م. (۱۳۵۳)، *فلسفه از آغاز تاریخ*، ج ۲، تهران.
- سراج‌زاده، س. ح. (۱۳۷۷)، «نگرش‌ها و رفتارهای دینی نوجوانان تهرانی و دلالت‌های آن برای نظریه سکولارشدن»، *نمایه پژوهش*، ش ۷ و ۸، پاییز و زمستان، ص ۱۰۵-۱۱۹.
- گلفرانی، م. و محمداسماعیل، ا. (۱۳۸۲)، *بررسی مراحل رشد اخلاقی کودکان و نوجوانان ۶ تا ۱۷ ساله دارای اختلال سلوک شهر تهران*، تهران: پژوهشکده کودکان استثنایی، سازمان آموزش و پرورش استثنایی کشور.
- لشکری، م. (۱۳۸۱)، «بهداشت روانی در اسلام»، *مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی قزوین*، نسخه ۲۴، ص ۷۲-۷۶.
- ماسن، پاول هنری کیگان، هوسترن و کانجر (۱۳۸۲)، *رشد و شخصیت کودک*، ترجمه مهشید یاسایی، تهران: نشر مرکز.
- محسنی، ن. (۱۳۷۱)، «ارزش‌های اخلاقی در نظریه‌های مختلف روان‌شناسی»، *نشریه علوم تربیتی*، ش ۳-۴.
- میرزمانی، س. م. و م. محمدی (۱۳۸۰)، «تحقیقی پیرامون ارزش مذهبی در گروهی از بیماران روانی بر اساس تست مطالعه‌های ارزش‌های آلپورت، ورنن و لیندزی»، *مجله حکیم*، ج ۴، ش ۱، ص ۵۱-۵۸.
- نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری (۱۳۸۲)، *اسلام و بهداشت روان*، مجموعه مقالات، تهران: دفتر نشر معارف.

- نورانی اردبیلی، م. (۱۳۷۱)، *اخلاق*، چاپ اول، تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
- هترینگتون، ا. و ر. پارک (۱۳۷۳)، *روان‌شناسی کودک از دیدگاه معاصر*، ترجمه طهوریان و همکاران، ج ۲، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- Aquino, K. & A. Reed (2002), "The self-importance of moral identity", *Journal of Personality and Social Psychology*, 8, 6, pp.1423-1440.
- Blasi, A. (2004a), "Neither personality nor cognition: An alternative approach to the nature of the self, In C. Lightfoot, C. Lalonde & M. chandler (Eds)", *Changing conceptions of psychological life* (pp.3-25). Mahwah, NJ: Erlbaum.
- Blasi, A. (2004b), "Moral functioning: Moral understanding and personality. In D. K. lapsley & D. Narvaez (Eds)", *Moral development, self, and identity* (pp.189-212). Mahwah, NJ: Erlbaum.
- Hardy, S. A. & G. Carlo (2005), "Identity as a Source of Moral Motivation", *Human Development*, 48, pp.232-256.
- Hoffman, M. L. (2000), *Empathy and moral development: Implications for caring and justice*, New York, NY: Cambridge University.
- Kohlberg, L. (2001), *Kohlberg s theory of development of moral values*. [online]. Available: <http://WWW.Google.com/Kohlberg and values. Htm> (Accessed 29/01/1380).
- NewComer, P. L. (1993), *Understanding and teaching emotionally disturbed children and Adolescents*. (2nd.ed.), Austin, Texas: Pro-ed, Inc.
- Reimer, K. & Wade-Stein, D. (2004), "Moral identity in adolescence: self and other in semantic space", *Identity*.4,3, pp.229-249.
- Robert, L. (2005), "Today, moral identity; tomorrow, self-esteem?", *Journal of Applied Developmental Psychology*. 26,2, pp.235-240.
- Turiel, E. (2002), *The culture of morality*, Cambridge, UK: Cambridge University Press.
- Vasta, R.; M. Miller & S. A. Haith (1992), *Child Psychology*, New York: John Wiley & Sons, Inc.